

• ج 11-موضوع: جلسه با طلاب حوزه علمیه شیراز

بسم الله الرحمن الرحيم

الهم صل على محمد و آل محمد واهدنا لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي تشاء الى صراط مستقيم
در جمع شماها وقتی انسان حاضر می شود حرف زیاد است موضوعات و نکات مختلف و خوشبختانه
اساتیدی که دارید برخی مطالب را خواهند گفت خودتان هم تیزذهنی که دارید انسان را امیدوار می کند؛ من
هم نکاتی را عرض میکنم و در مقدار وقتی که داریم با هم تقسیم می کنیم

ما سال 52 طلبه شدیم در شهر خودمان ابرکوه ما بیست و سه نفر بودیم سال بعد شدیم نه نفر؛ سال
سوم شدیم یک نفر همه رفتند شرایط پذیرش در قم هم سخت بود سال تحصیلی 54 بود ما آمدیم شیراز
خدمت شهید آیت الله دستغیب رحمت الله علیه.

بعد هم مرحوم آقاسید مهدی دستغیب و من بخشی از سیوطی را محضر ایشان تلمذ کردم.

ما هم زمانی طلبه شیراز بودیم مثل شما سال 54 و 55 وارد قم شدم و آن فضاهایی که وجود داشت و خود
فضای اجتماعی و دلگرم کننده نبود و شاهدش هم این بود که از آن بیست و سه نفر فقط یک نفر ماند و
بقیه رفتند سراغ کارهای دیگر.

فضای سیاسی فضای ناامنی بود ما هم که در حجره بودیم منتظر بودیم که ساواک بیاید و افرادی را با خود
ببرد.

فضای رفت و آمد هم جای خود دارد بنده بایستی 7 یا 8 ماشین عوض می کردم که می رفتم و برمی گشتم
شرح لمعه را شروع کردم چون سال 55 که قم رفتم به صورت فشرده چندپایه را در یک سال می خواندم و
سال 56 شرح لمعه را شروع کردم.

شهید کتابی را قبل شرح لمعه دارد و من این کتاب را دوست داشتم کتاب مسالک هست و مرحوم شهید
دویست کتاب دارد و شرح لمعه آخرین کتاب اوست.

شرح لمعه را درشرایطی نوشته که در حال تبعید و گریز و فرار بوده و درحالت عادی نبوده است.

وبعد هم که شهید می شود و زندگی جالبی دارد.

بعد هم نیاز به مسالک داشتم و تمام قم را گشتم که یک کتاب مسالک پیدا کنم، پیدا نکردم . مسالک در
واقع شرح شرح لمعه است.

بعدا مرحوم آقای مرعشی کتاب را چاپ کردند و در این باره بود و چقدر من خوشحال شدم کتابی بود چاپ
سنگی که ما آن موقع میگفتیم چاپ سنگی . و از بالا تا پایین صفحه هم نوشته می شد و نوشته داشت نه
فهرستی و نه مقدمه ای و فقط شماره داشت.

کتابخانه ای هم نبود تعطیل بود . یک کتابخانه آقای مرعشی نجفی بود که کتاب در اختیار نمی گذاشتند. تازه این زندگی ما با زندگی بزرگان قابل قیاس نیست؛ کتاب صراط که بنده نوشتم را اگر خوانده باشید زندگینامه علما را آوردم.

زندگی نامه هایی انتخاب کردم که دستنویس خودشان بوده است وقتی مقایسه می کنیم با زندگی آخوند خراسانی یا شیخ اعظم وضعیت ما خیلی متفاوت می شود آن ها در چه افقی بودند و کجا بودند و ما کجا! انسان وقتی وارد مدرسه شد و مخصوصا این عمامه را روی سرش گذاشت این دیگر سرباز است و سربازی شرایط دارد و فراز و فرود دارد و سختی دارد هم شیرین است هم تلخ است و لذا گاهی من با برخی بزرگان که می پرسند چه بگوییم به طلبه ها می گویند از انگیزه بگویید باور کنید به امام زمان قسم که انگیزه نداشتن دلیل می خواهد نه انگیزه داشتن.

شما تصور کنید همین فضای الان که فضای اجتماعی خوبی نیست.

شما الان از نظر امکانات یک سرچ می کنید می بینید که چقدر مطلب دست شما می آید.

این فضای مجازی همه اش امواج ضلال نیست امواج هدایت هم هست امواج کمک هم هست.

به هر حال دوره، دوره ای است که من و شما سربازیم و سربازی ادب دارد ما بدترین شرایطمان شرایط زمان رضا خان بوده است.

ولی همان زمان اگر عالمی مطلبی و نکته ای داشت و نوآور بود استفاده می شد.

می بینید همان زمان توانستند کسانی که ریشه در حوزه داشتند انسانهایی را تربیت کنند.

قدیم کتابی که نوشته می شد تا به مرحله چاپ برسد طول می کشید اما الان کتابی اردیبهشت چاپ شده و تیرماه به چاپ پنجم و ششم می رسم منظور امکاناتی است که فعلا فراهم است.

کتاب رمان و تاریخ و ...نبوده و بحث علمی تخصصی بوده است

عواملی که بتواند انگیزه بدهد متعدد است

اگر از اوضاع مدیریت ان زمان بگویم برای شما خواهید فهمید چگونه بوده است

دو نکته را در نظر بگیرید :

• نکته اول ؛ صالت

کاری که شما فضلا باید انجام دهید اگر من را قبول داشته باشید؛ یک طلبه ای که فرض کنید بی اطلاع نیست؛ هر چه می گوید عن حس می گوید من روی دو نکته تاکید می کنم و آن اصالت و معاصرت است.

منظورم از اصالت این است که شما فرق هم نمی کند چه فقه چه اصول چه ادبیات چه لغت چه فلسفه های مضاف این ها را باید خوب خواند یعنی دانش را نباید از اصالت خارج کرد گاهی کسی فقه می خواند اما ژورنالیست وار و روزنامه وار می خواند. اما اگر بخواهد اصالت داشته باشد باید یک فقه منضبط باشد به صورت فقه جواهری باشد تعبیری که امام خمینی این تعبیر را به کار برد. فقهی که بتوان در مجامع علمی سنتی آن را مطرح کرد و لازمه اش این است که انسان خوب بخواند شما الان دوران شیرخوارگی شما است. دوران سطح دوران شیرخوارگی شماست یعنی دورانی که استخوانهای انسان دارد محکم می شود. رسائل ، مکاسب و کفایه و هر چه را که می خوانید؛

اصالت یعنی خوب باید خواند مکاسب و رسائل را خوب باید خواند مخصوصا اصول را که اصول فهم و اصول اندیشیدن است باید خوب خواند شما از این اصول می توانید در فهم قانون استفاده کنید. من با مرکز قوه قضاییه مرتبطم و آن جا می فهمم که اصول قوی یعنی چه ... من اجتهاد را برای قاضی شرط نمیدانم . ولی اجتهاد در قانون را شرط میدانم.

همین کتابچه قانون مدنی یا کتابچه قانون مجازات یا کتابچه قانون تجارت بیاورید و ببینید اجتهاد لازم دارد یا نه.

اگر کسی بخواهد مطالعات حقوقی دنیا را داشته باشد میتواند جواب لاطائلاتی که برخی افراد از جمله ترامپ بیان می کنند را بدهد.

نکته دوم : معاصرت

اصالت باید کنار معاصرت قرار بگیرد ما الان درگیری که با برخی ها داریم همین است ممکن است مکاسب یا رسائل را خوب بلد است اما نه نگاه نگاه معاصر است و نه اطلاعات، اطلاعات معاصر است؛ طبعا وقتی فرایند معاصر نیست ، برایندهم معاصر نیست. هنر یک فاضل حوزوی این است که این دو را مدیریت کند ؛ اگر به نام معاصرت و فقه روز اصالت از بین برود این فقه روزنامه است اگر به نام حفظ سنت، به اسم اصالت معاصرت زیر سوال برود خروجی آن فقهی می شود نه در دادگاه به درد می خورد و نه در بانک می توانی بروی و نه در بازار قابل اجرا است و نه در دنیا شما حرفی برای گفتن داری . یک سری موارد اتمیک و بریده از هم که اجزای آن هم همه از همه قهرند .

برخی قرآن را هم که تفسیر می کنند اتمیک تفسیر می کنند . هر آیه یک چیزی را بیان میکند و گاه هر تکه آیه یک چیزی را بیان می کند اما برخی مثل آش پز شیراز که مواد به هم لصیق اند ترجمه و تفسیر را هم این گونه برخورد می کنند یا در مواجهه با فقه هم برخی به این شکل برخورد می کنند که یک نظام سازی می

کنند و اجزا به هم وصل اند و ارتباط دارند نه این که هر کدام یک حرف بزند و تکه تکه و اتمیک باشد. برخی ها از دین عکس می گیرند و برخی ها فیلم می گیرند. معاصرت که می گویم این است که انسان ضمن انضباط فقهی، بتواند پاسخگو هم باشد.

یکی از آقایان که به نظریه نگاه معاصرت و بحث مقاصد ایراد داشت گفت حدیثی مثل این حدیث که اگر کسی با دختری ازدواج کرد و اخلاق درست و حسابی نداشت دختر باید صبر کند را چه کار میکنید؟ بنده در جواب او گفتم این حدیث، سند صحیحی ندارد و بعد هم مگر ما 11 روایت نداریم که اگر حدیثی با قرآن تضاد داشت آن را به دیوار بکوبید؟ ضمن این که

در آیه 231 بقره آمده:

وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَاراً لِّتَعْتَدُوا وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَ لَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُواً وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ مَا أُنْزِلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَ الْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.

و هنگامی که زنان را طلاق دادید، و به پایان عده‌ی خود رسیدند، یا به‌طور شایسته آنها را نگاه دارید [و آشتی کنید]، و یا به طرز پسندیده‌ای آنها را رها سازید؛ و آنها را به‌خاطر زیان‌رساندن نگاه ندارید تا [به حقوقشان] تجاوز کنید. و کسی که چنین کند، به خویشتن ستم کرده است. و [با این کارها] آیات خدا را به استهزا نگیرید. و نعمت خدا را بر خود بیاد بیاورید، و کتاب آسمانی و علم و دانشی را که بر شما نازل کرده، و شما را با آن، پند می‌دهد. و از خدا پروا کنید و بدانید خداوند از هر چیزی [حتی از نیت‌های شما] آگاه است.

به هر حال این نگاه ها وجود دارد.

این نگاه های اتمیک که هر جا برود خروجی جازمانه خواهد داشت کما این که برخی جاها شاهدیم امام زمان می دانید چه سریازی می خواهد؟

دوره شما که به درد بخور باشید حدود بیست یا پانزده سال دیگر است فقیهی یا مفسر یا متکلم که بتواند هم اصالت را حفظ کند هم معاصرت را ؛

ولذا باید در کنار کتب درسی ، کتب دیگری هم مطالعه کنید کتب فلسفه مضاف ؛ فلسفه اصول فقه ، فلسفه دین ، برخی از بحث های روش شناسی ؛ روشها را انسان مطالعه و مدیریت و بررسی و مقایسه کند.

• یک مطلب؛ و یک هدیه

می خواهیم مطلبی را به شما بگویم و هدیه دهم :

مطلبی را می‌خواهم بیان کنم و آن این که من و شما مثل این لامپ هستیم و باید با آن مولد نور در ارتباط باشیم. تا روشنائی داشته باشیم و الا خاموشیم مولد نور ما امام زمان ما است. البته خود امام زمان هم نور خود را از خداوند می‌گیرد ما یک نور بیشتر نداریم.

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

خدا نور آسمان ها و زمین است؛ وصف نورش مانند چراغدانی است که در آن، چراغ پر فروغی است، و آن چراغ در میان قندیل بلورینی است، که آن قندیل بلورین گوی ستاره تابانی است، [و آن چراغ] از [روغن] درخت زیتونی پربرکت که نه شرقی است و نه غربی افروخته می‌شود، [و] روغن آن [از پاکی و صافی] نزدیک است روشنی بدهد گرچه آتشی به آن نرسیده باشد، نوری است بر فراز نوری؛ خدا هر کس را بخواهد به سوی نور خود هدایت می‌کند، و خدا برای مردم مثل ها می‌زند [تا حقایق را بفهمند] و خدا به همه چیز داناست.

ذیل آیه ذیل امام می‌فرمایند نور خدا به امام و از امام به عالم و از عالم به مردم می‌رسد.

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ

و میان مردم سبا و شهرهایی که در آن ها برکت نهادیم، آبادی های به هم پیوسته و نمایان قرار دادیم، و سیر و سفر را در [میان] آنان متناسب و به اندازه مقرر داشتیم، [و گفتیم:] شب ها و روزها با امنیت در آنها مسافرت کنید.

لذا پیشنهاد میدهم که با امام زمان ارتباط داشته باشیم و ارتباط ما با امام زمان دو رکعت نمازی است که برای امام می‌خوانیم و سعی کنیم روزانه دو رکعت نماز برای سلامتی امام بخوانیم. وقتی ما برای امام دو رکعت نماز می‌خوانیم طبعاً امام هم به یاد همان طلبه خواهند بود و دعا خواهند کرد.